اَلدَّرسُ الرّابِعُ برگرد

﴿ إِنَّ هٰذِهِ أُمَّتُكُم أُمَّةً واحِدَةً وَ أنا رَبُّكُم فَاعْبُدونِ[۷]﴾ اَلأنبياء : ۹۲

بی گمان این امّت شماست؛ امّتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس مرا بپرستید.

اَلدَّرْسُ الرّابِعُ (درس چهارم)

اَلتَّعايُشُ السِّلْميُّ (همزیستی مسالمت آمیز)

لَقَد كانَتْ رِسالَةُ الإسلامِ عَلىٰ مَرِّ الْعُصورِ قائِمَةً عَلىٰ أَساسِ الْمَنطِقِ وَ اجْتِنابِ أيِّ إساءَةٍ؛ فَإنَّ اللّٰهَ يَقولُ:

رسالت اسلام در گذر زمان بر پایهٔ منطق و دوری ازهرگونه بی‌ادبی استوار است (بوده است) زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿ وَ لا تَستَوِي الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ اِدفَعْ بالّتي هيَ أحسَنُ فَإذَا الّذي بَينَكَ وَبَينَهُ عَداوَةٌ كانَّهُ وَلِيٌّ حَميمٌ [۸]﴾ فُصِّلَتْ : ۳۴

نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه [می بینی] کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

إنَّ الْقُرآنَ يَأمُرُ الْمُسلِمينَ أنْ لا يَسُبُّوا[۹] مَعبوداتِ الْمُشرِكينَ وَ الْكُفّارِ (مفردش:كافِر)

همانا قران به مسلمانان دستور می‌دهد که خدایان مشرکان و کافران را دشنام ندهند.

فَهوَ يَقولُ ﴿:وَ لا تَسُبّوا الّذينَ يَدْعونَ مِنْ دونِ اللّٰهِ فَيَسُبّوا اللّٰهَ...﴾ الأنعام ۱۰۸

وآن (قران) می‌فرماید: کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند، دشنام ندهید که به خداوند دشنام دهند... .

اَلْإسلامُ يَحتَرِمُ الْاَديانَ الْاِلٰهيَّةَ؛ ﴿ قُلْ يا أهلَ الْكِتابِ تَعالَوا إلىٰ كَلِمَةٍ سَواءٍ بَينَنا وَ بَينَكُم أَلّا نَعْبُدَ[۱۰] إلّا اللّٰهَ وَ لا نُشْرِكَ بِهِ شَيئاً﴾ آل عِمران: ۶۴

اسلام به دین‌های الهی احترام می‌گذارد؛ (ای پیامبر) بگو: ای اهل کتاب (یهود ونصاری) بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم (فقط خدا را بپرستیم) و چیزی را شریک او نگردانیم.

يُؤَكِّدُ الْقُرآنُ عَلىٰ حُرِّيَّةِ الْعَقيدَةِ: ﴿لا إكراهَ فِي الدّينِ...﴾ البقرة ۲۵۶

قران بر آزادی عقیده تاکید می‌کند: هیچ اجباری در دین نیست.

لا يَجوزُ الْإصرارُ عَلىٰ نِقاطِ الْخِلافِ وَ عَلَى الْعُدوانِ، لِاَنَّهُ لا يَنتَفِعُ بِهِ أحَدٌ؛

اصرار و پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی جایز نیست، زیرا کسی از آن سود نمی‌بَرد،

---

[۷] در اصل بوده : فاعْبُدونِي : ف + أعبُدوا + ن (نون وقايه)+ ي (ضمير)

نون وقايه نونی که میان فعل و ضمیر یای متکلم برای حفظ حرکت آخر فعل فاصله می‌شود.

[۸] و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می‌گردد. (فولادوند)

[۹] أنْ لا يَسُبّوا [أنْ + لا يَسُبّونَ]: که دشنام ندهند

[۱۰] أَلّا نَعْبُدَ = أنْ لا نَعْبُدَ [أنْ + لانَعْبُدُ] : که دشنام ندهند

**«لا» در «أنْ لا يَسُبّوا، أَلّا نَعْبُدَ وَ لا نُشْرِكَ»، لای نفی است.

DaneshSad دانش صد

وَ عَلیٰ كُلِّ النّاسِ أَن يَتعايَشوا مَعَ بَعضِهِم تَعايُشاً سِلْمِيّاً،مَعَ احْتِفاظِ كُلٍّ مِنهُم بِعَقائِدِهِ؛ لِاَنَّهُ ﴿كُل حِزبٍ بِما لَديهِم فَرِحونَ﴾ الرّوم :۳۲ بر همهٔ مردم لازم است (همهٔ مردم باید) که هر کدام با حفظ عقاید خود با یکدیگر همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند؛ زیرا -{هر حزب وگروهی به آنچه دارد، دلشاد است}- .

اَلْبِلاد الْاسلاميَّةُ مَجموعَةٌ مِنَ الشُّعوبِ الْكَثيرَةِ، تَختَلِفُ في لُغاتِها وَ أَلْوانِها.

سرزمین‌های (کشورهای) اسلامی مجموعه ای از ملت‌های بسیار است که در زبان (زبان‌ها) و رنگ(رنگ‌هایشان) فرق دارند.

قالَ اللّٰهُ تَعالىٰ: خدای تعالی (بلند مرتبه باد نام او) فرموده است:

﴿يا اَيُّها النّاسُ إنّا خَلَقْناكُم مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثىٰ وَ جَعَلْناكُم شُعوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفوا إنَّ أكرَمَكُم* عِندَ اللّٰهِ أتقاكُم*﴾ اَلْحُجُرات ۱۳

ای مردم ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی گمان گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

يَأمُرُنا الْقُرآنُ بِالْوَحدَةِ. ﴿وَ اعْتَصِموا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَميعاً وَ لاتَفَرَّقوا ...﴾ آل عِمران۱۰۳

قران به ما دستور به همبستگی (یکپارچگی) می‌دهد . -{ وهمگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید.}-

يَتَجَلّى اتِّحادُ الْاُمَّةِ الْاسلاميَّةِ في صُوَرٍ كَثيرَةٍ، مِنها اجْتِماعُ الْمُسلِمينَ في مَكانٍ واحِدٍ في الْحَجِّ.

همبستگی (یکپارچگی) امّت اسلامی در شکل‌های بسیاری جلوه‌گر می‌شود. از آن جمله گردهمایی مسلمانان در جای واحد در حج.

اَلْمُسلِمونَ خُمْسُ* سُكّانِ الْعالَمِ، يَعيشونَ في مِساحَةٍ واسِعَةٍ مِنَ الْاَرضِ مِنَ الصّينِ إلَى الْمُحيطِ الْاَطلَسيِّ.

مسلمانان یک پنجم ساکنان جهان هستند، در مساحتی(پهنایی)گسترده از زمین از چین تا اقیانوس اطلس زندگی می‌کنند.

قالَ الْامامُ الْخُمَينيُّ رَحِمَهُ اللّٰهُ: ... إذا قالَ أَحَدٌ كَلاماً يُفَرِّقُ الْمُسلِمينَ، فَاعْلَموا أَنَّهُ جاهِلٌ أَوْ عالِمٌ يُحاوِلُ إيجادَ التَّفرَقَةِ بَينَ صُفوفِ الْمُسلِمينَ.

امام خمینی رَحِمَهُ اللّٰه فرموده است: هر گاه کسی سخنی گفت که باعث تفرقهٔ مسلمانان شود (هر گاه کسی سخنی بگوید که مسلمانان را پراکنده سازد)، بدانید که وی یا نادان است یا دانایی است که تلاش می‌کند دربین صفوف مسلمانان اختلاف بگستراند.

وَ قالَ قائِدُنا آيَةُ اللّٰهِ الْخامنئيّ: ورهبرمان آیت اللّه خامنه‌ای فرموده است:

مَن رَأَى مِنكُم أَحَداً يَدعو إلَى التَّفرِقَةِ، فَهُوَ عَميلُ الْعَدوِّ.

هر کس از شما کسی را دید که به تفرقه فرا می‌خوانْد، مزدور دشمن است. (ترجمه مؤلف)

(هر کس از شما کسی را ببیند که به تفرقه دعوت می‌کند پس وی مزدور دشمن است.)

---

*أَكرَم: گرامی‌ترین/ أَتقَى: پرهیزگارترین/ سُكّان: ساکنان «مفرده ساکن»/لِتعارَفوا ← لِتَتَعارَفوا / لا تَفَرَّقوا ← لا تَتَفَرَّقوا برای تخفیف یک تای آن حذف شده است.

**بیشتر بدانیم: ثُلث: یک سوم؛ رُبع: یک چهارم؛ خُمس: یک پنجم؛ سُدس: یک ششم و ...

DaneshSad دانش صد

✿ اَلْمُعجَم ✿ برگرد

اِحْتَرَمَ: احترام گذاشت	«أن يَتَعايَشوا تَعايُشاً سِلْمِيّاً: که همزیستی مسالمت‌آمیز کنند.»	**فَرَّقَ:** پراکنده ساخت
اِحتِفاظ: نگاه داشتن	**تَفَرَّقَ:** پراکنده شد	**قائِد:** رهبر «جمع: قادَة »
إساءَة: بدی کردن	«لاتَفَرَّقوا: پراکنده نشوید»	**قائِم:** استوار، ایستاده
اِسْتَوىٰ: برابر شد	**جازَ:** جایز شد «لایَجوزُ: جایز نیست»	**سَبَّ:** دشنام داد
أَشْرَكَ: شریک قرار داد	**حَبل:** طناب «جمع :حِبال»	**سُكّان:** ساکنان
اِعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت)	**حُرِّيَّة:** آزادی	**سِلْمِيّ:** مُسالمت آمیز «سِلْم : صلح»
أَكَّدَ: تأکید کرد	**حَميم:** گرم و صمیمی	**سَواء:** یکسان
أُنثىٰ: زن، ماده	**خِلاف:** اختلاف	**عَلىٰ مَرِّ الْعُصورِ:** در گذر زمان
أَيُّ إساءَةٍ: هر گونه بدی، هر گونه بی ادبی	**خُمْس:** یک پنجم	**عَميل:** مزدور «جمع: عُمَلاء»
تَجَلّىٰ: جلوه‌گر شد	**دَعا:** فرا خوانْد، دعا کرد	**فَضْل:** برتری، فزونی
تَعارُف: یکدیگر را شناختن «لِتَعارَفوا: تا یکدیگر را بشناسید»	«يَدعونَ: فرا می‌خوانند»	**لَدَى:** نزد «لَدَيهِم :دارند»
تَعايَشَ: همزیستی داشت	**ذَكَر:** مرد، نر	**مَعَ بَعض:** با همدیگر
	فَرِحٌ: شاد	**مِنْ دونِ اللّٰهِ:** به جای خدا، به غیر خدا

🕮 حَولَ النَّص برگرد

✍ **عيِّنِ الصَّحيحَ وَ الْخَطَأَ حَسَبَ نَصِّ الدَّرسِ.** درست و غلط را طبق متن درس مشخص کنید. ✓ ✗

۱- يَجوزُ الْإصرارُ عَلىٰ نِقاطِ الْخِلافِ وَ الْعُدوانِ، لِلدِّفاعِ عَنِ الْحَقيقَةِ.
پافشاری بر نقاط اختلاف و دشمنی ، برای دفاع از حقیقت جایز است. (غلط ✗)

۲- رِسالَةُ الْإسلامِ قائِمَةٌ عَلىٰ أَساسِ الْمَنطِقِ وَ اجْتِنابِ الْإساءَةِ.
پیام اسلام بر اساس منطق و دوری از بدی استوار است . (صحیح ✓)

۳- عَلىٰ كُلِّ النّاسِ أَن يَتعايَشوا مَعَ بَعضِهِم تَعايُشاً سِلْمِيّاً.
بر همهٔ مردم واجب است که با یکدیگر بطور مسالمت آمیز همزیستی کنند. (صحیح ✓)

٤- لِبَعضِ الشُّعوبِ فَضلٌ عَلَى الْآخَرينَ بِسَبَبِ اللَّونِ.
برخی از ملت ها به علت رنگ بر بعضی دیگر برتری دارند . (غلط ✗)

٥- رُبعُ سُكّانِ الْعالَمِ مِنَ الْمُسلِمينَ.
یک چهارم ساکنان جهان مسلمان هستند. (غلط ✗)

إعلَموا برگرد

اَلْفِعْلُ الثُّلاثيُّ الْمَزيدُ (٢)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.

با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تَفاعُل، تَفعیل، مُفاعَلَة، إفعال) آشنا شوید.

باب	اَلْماضي	اَلْمضارع	اَلْأمر	اَلْمَصدَر
تَفاعُل	**تَفاعَلَ**	**يَتَفاعَلُ**	**تَفاعَلْ**	**تَفاعُل**
تفعيل	**فَعَّلَ**	**يُفَعِّلُ**	**فَعِّلْ**	**تَفعيل**
مُفاعَلَة	**فاعَلَ**	**يُفاعِلُ**	**فاعِلْ**	**مُفاعَلَة**
إفعال	**أَفْعَلَ**	**يُفْعِلُ**	**فَعِّلْ**	**إفعال**

باب	اَلْماضي	اَلْمضارع	اَلْأمر	اَلْمَصدَر
٥ تَفاعُل	تَشابَهَ: همانند شد	يَتَشابَهَ: همانند می‌شود	تَشابَهْ: همانند شو	تَشابُه: همانند شدن
	تَفاعَلَ	يَتَفاعَلُ	تَفاعَلْ	تَفاعُل
٦ تفعيل	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفريح: شاد کردن
	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفعيل
٧ مُفاعَلَة	جالَسَ: همنشینی کرد	يُجالِسُ: همنشینی می‌کند	جالِسْ: همنشینی کن	مُجالَسَة: همنشینی کردن
	فاعَلَ	يُفاعِلُ	فاعِلْ	مُفاعَلَة
٨ إفعال	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إخراج: بیرون آوردن
	أَفْعَلَ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إفعال

شما با حفظ این جدول راحت‌تر می‌توانید به سوالات پاسخ دهید.

مصدر تَعَلَّمَ: تَعَلُّم ✓ تَعَلُّم تعليم

ماضی يُحاوِلُ: تَحَوَّلَ حَوَّلَ حاوَلَ ✓

امر تُرْسِلُ: أَرْسِلْ أَرسِلُ أَرسَلَ ✓

بیشتر بدانیم

فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها فقط از سه حرف اصلی است، ثُلاثِي مُجَرَّد گویند.

فعل‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آنها بیش از سه حرف اصلی است، ثُلاثِي مَزید گویند.

ثلاثی مجرد وزن خاصی ندارند ولی ثلاثی مزیدها وزن خاص دارند(قیاسی هستند).

مهمترین وزن‌های ثلاثی مزید عبارتند از :

إفعال ، تفعیل ، مفاعلة ، تفاعل ، تفعّل ، اِفتعال ، اِنفعال ، اِستفعال

الف)باب‌های إفعال ، تفعیل ، مفاعلة : دارای ۱حرف زائد. (بزیادة حرفٍ زائدٍ)

باب‌های تفاعل ، تفعّل ، اِنفعال و اِفتعال : دارای ۲حرف زائد. (بزیادة حرفینِ زائدینِ)

باب اِستفعال دارای ۳ حرف زائد است. (بزیادة ثلاث أحرف)

الف) بررسی باب‌هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آن‌ها علاوه به حروف اصلی یک حرف زائد دارند: إفعال و تفعیل و مفاعلَة

☑ حروف مضارعه(أ ت ی ن) در باب‌های «إفعال، تفعیل و مُفاعَلَة» ضمّه ـُ دارند. (یُفعِلُ، یُفَعِّلُ، یُفاعِلُ)

۱ و ۲- باب إفعال و تفعیل: این باب معمولاً برای متعدّی کردن افعال لازم به کار می‌روند.

نَزَلَ(=نازل شد) ☜ فعل لازم

أَنزَلَ – نَزَّلَ (=نازل کرد) ☜ فعل متعدّی

☜ فعل لازم (فعلی که با فاعل معنایش تمام شود؛ همان فعل ناگذرا در زبان فارسی را گویند.)

☜ فعل متعدّی (فعلی که علاوه بر فاعل، مفعول می‌خواهد تا معنایش تمام شود؛ همان فعل گذرا در زبان فارسی را گویند.)

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ القدر:۱ ما آن [قرآن] را در شب قدر نازل کردیم.

﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ الفُرقان:۱

بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود فرقان [=کتاب جداسازنده حق از باطل] را نازل کرد تا برای جهانیان هشداردهنده‌ای باشد.

☑ فرق أَنزَلَ و نَزَّلَ :

أَنزَلَ: (یکباره) نازل کرد / نَزَّلَ: (به تدریج) نازل کرد

قرآن، یکبار بصورت یکجا بر پیامبر نازل شده است و بار دیگر به صورت تدریجی که مردم از آن آگاه شده‌اند. (در زبان عربی، «انزال» برای نزول دفعی و «تنزیل» برای نزول تدریجی بکار می‌رود.) تفسیر نور، محسن قرائتی، جلد ٤ ، صفحه ٥٢٦

☑ همزهٔ امر باب افعال بر وزن أَفْعَلْ،همیشه مفتوح و مقطوع است.

☑ فعل هایی که در باب افعال و تفعیل رفته‌اند ولی همچنان لازم هستند:

أَسرَعَ: شتافت، آمَنَ: ایمان آورد، أَزهَرَ: شکوفه داد، فَکَّرَ: اندیشید، صَلّی: نماز خواند، غَرَّدَ: آواز خواند

۳- باب مُفاعَلَة: این باب برای مشارکت به کار می‌رود ،مشارکتی یکطرفه به نحوی که یکی فاعل و دیگری مفعول باشد.

کتَبَ علیٌّ کتاباً. (=علی نامه‌ای را نوشت.)

کاتَبَ علیٌّ صدیقَـهُ. (=علی با دوستش نامه نگاری کرد.)

DaneshSad
دانش صد

☑ در ترجمهٔ باب مفاعَلَة، معمولاً از «با» استفاده می‌شود.

☑ کلمات « **مُلاقَاة ـ مُدَارَاة ـ مُوَاسَاة ـ مُبَارَاة ـ مُجَازَاة ـ مُناجَاة**»، مصدر باب مُفَاعَلَة هستند.

☑ مصدر دیگر«مُفاعَلَة» بر وزن «فِعال» می‌آید: مُقاتَلَة، قِتال؛ مُجاهَدَة، جِهاد؛ مُجادَلَة، جِدال؛ مُسابَقَة، سِباق؛ مُحاسَبَة، حِساب؛ مُخالَفَة، خِلاف و ...

☑ مصدر دیگر«تفعیل» بر وزن «تَفْعِلَة» می‌آید: تَجْرِبَة، تَسْلِيَة، تَرْبِيَة، تَوْصِيَة، تَذْكِرَة، تَعْزِيَة، تَكْمِلَة، تَبْصِرَة و ...

ب) باب هایی که «سوم شخص مفرد ماضی» آن‌ها علاوه به حروف اصلی دو حرف زائد (بحرفَيْنِ زائدَيْنِ) دارند:
تَفَعُّل، تَفاعُل، اِنفعال، اِفتعال

☑ سه باب تفعّل، افتعال و انفعال برای مطاوعه به کار می روند؛ یعنی زمانی که ما چیزی را از کسی بخواهیم و او قبول کند یا بخواهیم تأثیری را در چیزی بگذاریم و آن تأثیر پذیرفته شده باشد.

٤ - باب تفَعُّل: این باب معمولا برای مطاوعة (اثرپذیری) به کار می‌رود .
اَدَّبْتُ الطفلَ فَتَأدَّبَ. کودک را ادب کردم، پس با ادب شد.
يَتَجَلَّى اتِّحادُ الْأُمَّةِ الْاسلاميَّةِ في صُوَرٍ كَثيرَةٍ. یکپارچگی امت اسلامی در شکلهای زیادی جلوه‌گر می‌شود.

☑ این باب گاهی به صورت لازم، و گاهی متعدی استفاده می‌شود.
تَذَوَّقَ: چشید؛ تَحَمَّلَ: تحمّل کرد؛ تَعَلَّمَ: یاد گرفت، آموخت.

☑ حرف «تاء» در این باب زائد است.

٥- باب تَفاعُل : این باب نیز برای مشارکت دو طرفه به کار می‌رود.
تكاتَبَ عليٌّ و محمدٌ = علی و محمد با یکدیگر نامه نگاری کردند.
علی و محمد هر دو در نامه نگاری کردن مشارکت دارند و هر دو فاعل هستند.
*علی فاعل و مرفوع است و محمد معطوف و مرفوع به تبعیت از فاعل.

☑ در ترجمهٔ باب تفاعل معمولاً از «با یکدیگر، با همدیگر» استفاده می‌شود.

باب تَفَعُّل و تَفاعُل:

☑ دقت کنید که ماضی این باب با "ت" شروع میشود، پس بسیار دقت کنید که در تله نیفتید.
تَفَعَّلَ (ماضی) / يَتَفَعَّلُ (مضارع) / تَفَعَّلْ (امر)
تَفاعَلَ (ماضی) / يَتَفاعَلُ (مضارع) / تَفاعَلْ (امر)

☑ بعضی صیغه های فعل ماضی باب تَفَعُّل و تَفاعُل کاملا با فعل امر یکسان هستند.
فعل ماضی: هُما تَفَعَّلا – هُمْ تَفَعَّلوا – هُنَّ تَفَعَّلْنَ
فعل امر: أنْتُما تَفَعَّلا – أنتُمْ تَفَعَّلوا – أنتُنَّ تَفَعَّلْنَ

فعل ماضی: هُما تَفَاعَلا – هُمْ تَفَاعَلوا – هُنَّ تَفَاعَلْنَ
فعل امر: أنْتُما تَفَاعَلا – أنتُمْ تَفَاعَلوا – أنتُنَّ تَفَاعَلْنَ

DaneshSad دانش صد

برای ترجمه و تشخیص آنها، فقط و فقط از سیاق جمله و ضمایر موجود در جمله پی به ماضی و امر بودن آنها می‌بریم.

﴿يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا ...**تَعاوَنوا** عَلَى الْبِرِّ و التَّقْوَى وَ **لا تَعاوَنُوا** عَلَي الْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ﴾ المائدة:٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید در نیکوکاری و پرهیزگاری **با یکدیگر همکاری کنید** ، و در گناه و تعدّی **دستیار هم نشوید** .

☑ گاهی تای مضارع برای سهولت تلفظ حذف می‌شود:

﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أُنْثي وَ جَعَلْناكُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ **لِتَعارَفُوا** إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَليمٌ خَبيرٌ﴾ الحُجُرات:١٣

ای مردم ، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم ، و شما را ملّت ملّت و قبیله قبیله گردانیدیم **تا یکدیگر را بشناسید**. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی تردید ، خداوند دانا و آگاه است.

﴿**تَنَزَّلُ** الْمَلائِكَةُ وَ الرُّوحُ فيها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾ قدر:٤

در این شب فرشتگان و روح به اذن خدا از هر فرمان **نازل می شوند**.

﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا و **لَا تَفَرَّقُوا**﴾ آل عمران:١٠٣

همگی به ریسمان خداوند چنگ زنید و **پراکنده نشوید**.

«أَقيمُوا الدِّينَ وَ **لا تَتَفَرَّقُوا** فيهِ . . . وَ **ما تَفَرَّقُوا** إِلّا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمَ بَغْياً بَيْنَهُمْ ؛»

دین را به پا دارید و در آن **تفرقه نکنید**، . . . و از آن **جدا نشدند** مگر بعد از آن که علم به حقانیت آن پیدا کردند به خاطر ستمکاری بین خویش. نهج البلاغه، فیض الاسلام نامه ٥٣.

٦- باب اِنفعال: این باب هم برای مطاوعة (اثرپذیری) به کار می‌رود و صد در صد بصورت لازم استفاده می‌شود.

غَلِقتُ البابَ فَـ**انغَلَقَ**. در را بستم پس **بسته شد**.

٧- باب اِفتِعال: این باب نیز معمولاً برای مُطاوعة به کار می‌رود.

﴿ وَ **لا تَستَوِي** الْحَسَنَةُ وَ لَا السَّيِّئَةُ ...﴾ نیکی و بدی **برابر نمی‌شوند**.

مصادری مانند: «استلام، استماع، استتار، استناد، استراق، استواء» همگی از باب افتعال هستند؛ و سه حرف اصلی آنها به ترتیب: «سلم، سمع، ستر، سند، سرق، سوی» است.

فعل های مشابه:

با دقت در حرکات و ضمایر می‌توان پی به نوع فعل برده و در نتیجه درست ترجمه کنیم.

فعل مضارع : أنا أحترِمُ (من احترام می‌گذارم)

فعل امر : اِحترِمْ أنتَ (تو احترام بگذار)، اِحترِما أنتما، اِحترِموا أنتم(شما احترام بگذارید)

فعل ماضي : هوَ اِحتَرَمَ (او احترام گذاشت)، هما اِحتَرَما، هم اِحتَرَموا (آن‌ها احترام گذاشتند)

برای تشخیص دو باب افتعال و انفعال:

☑اگر حرف دوم نون، جزو حروف اصلی باشد و حرف سوم (ت) باشد باب افتعال است ☜ إکتساب

اما کلماتی مثل:

اِفتعال: اِنتشار، اِنتصار، اِنتصاب، اِنتباه، اِنتقال، اِنتخاب، اِنتحار، اِنتقاد، اِنتقام

در باب انفعال، دو حرف اول زائد هستند: اِنبساط، اِنقلاب، اِنجماد، اِنسداد، اِنهدام، اِنکسار، اِنطلاق

DaneshSad دانش صد

ج) بررسی بابی که اولین صیغهٔ ماضی آن دارای سه حرف زائد (بزیادة ثلاثة أحرف) هست:

۸- باب استفعال برای طلب و درخواست به کار می‌رود.

مانند : اِسْتَغْفَرْتُ اللّٰهَ . از خدا آمرزش خواستم.

فعل های اِستَقَلَّ، اِستبدَّ، اِستَمَرَّ، اِستَضَلَّ، ماضی باب اِستفعال هستند.

همزهٔ امر:

☑ همزهٔ فعل امر در چهار باب «تفعیل و مفاعَلَة، تَفَعُّل و تَفاعُل» وجود ندارد؛ امرشان بر وزن «فَعِّلْ و فاعِلْ، تَفَعَّلْ و تَفاعَلْ» می‌آید.

☑ همزهٔ امر در چهار باب«إفعال،اِفتِعال و اِنفِعال و اِســتِفعال» وجود دارد وحرکت همزه در باب افعال، مفتوح و قطع است؛ اما حرکت همزه در باب‌های «اِفتِعال و اِنفِعال و اِستِفعال»، مکسور و وصل است.

☑ حرکت همزه در ثلاثی مزید، به هیچ وجه م ضموم (اُ) دیده نمی‌شود. پس اگر همزهٔ امری ضمّه داشت، حتماً فعل ثلاثی مجرد است.

إختَبِر نَفسَكَ: تَرجِمِ الْأَفعالَ الثُّلاثيَّةَ الْمَزيدَةَ، وَ اكْتُبْ بابَها.

ماضی	تَعامَلَ: داد و ستد کرد	مضارع	یَتَعامَلُ: داد و ستد می‌کند	باب
امر	تَعامَلْ: داد و ستد کن	مصدر	**تَعامُل: داد و ستد کردن**	تفاعُل

ماضی	عَلَّمَ: یاد داد	مضارع	یُعَلِّمُ: یاد می‌دهد	باب
امر	عَلِّمْ: یاد بده	مصدر	**تعلیم: یاد دادن**	تفعیل

ماضی	کاتَبَ: نامه‌نگاری کرد	مضارع	یُکاتِبُ: نامه‌نگاری می‌کند	باب
امر	کاتِبْ: نامه‌نگاری کن	مصدر	**مُکاتَبَة: نامه‌نگاری کردن**	مفاعَلَة

ماضی	أَجْلَسَ: نشاند	مضارع	یُجْلِسُ: می‌نشاند	باب
امر	أَجْلِسْ: بنشان	مصدر	**إجلاس: نشاندن**(گردهمایی)	إفعال

DaneshSad دانش صد

☼برای مطالعه در خانه☼

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیریِ فعل ها مهم است، شناسه است.

مثال هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایهٔ هفتم خواندید:

«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم)؛ مانند:

تَعارَفْتُ عَلَّمْتُ شاهَدْتُ أَرْسَلْتُ

«تَ» در «فَعَلْتَ» (انجام دادی)؛ مانند:

تَعارَفْتَ عَلَّمْتَ شاهَدْتَ أَرْسَلْتَ

«ـَ» «فَعَلَ» (انجام داد)؛ مانند:

تَعارَفَ عَلَّمَ شاهَدَ أَرْسَلَ

«نا» در «فَعَلْنا» (انجام دادیم)؛ مانند:

تَعارَفْنا عَلَّمْنا شاهَدْنا أَرْسَلْنا

«تُمْ» در «فَعَلْتُم» (انجام دادید)؛ مانند:

تَعارَفْتُم عَلَّمْتُم شاهَدْتُم أَرْسَلْتُم

«وا» در «فَعَلوا» (انجام دادند)؛ مانند:

تَعارَفوا عَلَّموا شاهَدوا أَرْسَلوا

اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

تَصادَمَ: تصادف کرد تَصادَموا: ..تصادف کردند..

حَرَّكَ: حرکت داد حَرَّكْتُما: ..حرکت دادید.....

سافَرَ: سفر کرد سافَرْنا: ..سفر کردیم.....

أَحْسَنَ: نیکی کرد أَحْسَنْتُم: ..نیکی کردید.....

یادآوریِ فعل مضارع که در پایهٔ هشتم خواندید:

«أ» در « أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند: أَتَعارَفُ أُعَلِّمُ أُشاهِدُ أُرْسِلُ

«تَ» در « تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند: تَتَعارَفُ تُعَلِّمُ تُشاهِدُ تُرْسِلُ

«یَ» در « تَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند: یَتَعارَفُ یُعَلِّمُ یُشاهِدُ یُرْسِلُ

«نَ» در « نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند: نَتَعارَفُ نُعَلِّمُ نُشاهِدُ نُرْسِلُ

«تَ» + «ریشه» + «ونَ»در « تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند: تَتَعارَفُونَ تُعَلِّمُونَ تُشاهِدُونَ تُرْسِلُونَ

«یَ» + «ریشه» + «ونَ»در « یَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند: یَتَعارَفُونَ یُعَلِّمُونَ یُشاهِدُونَ یُرْسِلُونَ

DaneshSad دانش صد

اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

يُعَوِّضُ: جبران می‌کند
يُعامِلُ: رفتار می‌کند
يُخْرِجُ: خارج می‌کند
تَبادَلَ: داد و ستد کرد

يُعَوِّضونَ: ..... جبران می‌کنند
تُعامِلونَ: ..... رفتار می‌کنید
يُخْرِجْنَ: ..... خارج می‌کنند
تَتَبادَلينَ: ..... داد و ستد می‌کنی

آنچه در یادگیری فعل ها مهم است، شناسه‌هایی هستند که در پایهٔ نهم با آنها آشنا شده اید.

یادآوری شناسه‌های فعل امر:

«ـْ» در « اِفْعَلْ، تَفاعَلْ، فَعِّلْ، فاعِلْ، أفْعِلْ» مانند:

اِذْهَبْ تَشابَهْ فَرِّحْ جالِسْ أخْرِجْ

«ـي» در « اِفْعَلي، تَفاعَلي، فَعِّلْي، فاعِلي، أفْعِلي» مانند:

اِذْهَبي تَشابَهي اِكْتَسِبي جالِسي أَخْرِجْي

«و» در « اِفْعَلوا، تَفاعَلوا، فَعِّلوا، فاعِلوا، أفْعِلوا» مانند:

اِذْهَبوا تَشابَهوا اِكْتَسِبوا جالِسوا أَخْرِجْوا

«نَ» در « اِفْعَلْنَ، تَفاعَلْنَ، فَعِّلْنَ، فاعِلْنَ، أفْعِلْنَ» مانند:

اِذْهَبْنَ تَشابَهْنَ اِكْتَسِبْنَ جالِسْنَ أَخْرِجْنَ

«ا» در « اِفْعَلا، تَفاعَلا، فَعِّلا، فاعِلا، أفْعِلا» مانند:

اِذْهَبا تَشابَها اِكْتَسِبا جالِسا أَخْرِجا

اکنون با توجّه به شناسه ترجمه کنید.

تُسَلِّمونَ: سلام می‌کنید
تَتَعارَفْنَ: آشنا می‌شوید
تُشارِكانِ: شرکت می‌کنید
تُحْسِنينَ: نیکی می‌کنی

سَلِّموا: ..... سلام کنید
تَعارَفْنَ: ..... آشنا شوید
شارِكا: ..... شرکت کنید
أَحْسِني: ..... نیکی کن

DaneshSad دانش صد

❐ در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حِوارٌ برگرد

فِي صالَةِ[1] التَّفتيشِ بِالْجَمارِكِ[2]

در سالن بازرسی در گمرک

◆ شُرطيُّ الْجَمارِكِ (پلیس گمرک)	◆ اَلزّائِرَةُ. (خانم زائر)
اِجلِبي هٰذِهِ الْحَقيبَةَ إلىٰ هُنا. - این چمدان را به اینجا بیاور.	عَلىٰ عَيني، يا أَخي، وَلٰكِنْ ما هيَ الْمُشكِلَةُ؟ - به روی چشم برادر، اما مشکل چیست؟
تَفتيشٌ بَسيطٌ . بازرسی ساده	لا بَأسَ. - اشکالی ندارد.
عَفواً؛ لِمَن هٰذِهِ الْحَقيبةُ؟ - ببخشید این چمدان مال کیست؟	لِأُسرَتي. - متعلق به خانواده‌ام (مال خانواده‌ام) است.
اِفتَحيها مِنْ فَضلِكِ[3]. - لطفا بازش کن.	تَفَضَّلْ، حَقيبَتي مَفتوحَةٌ لِلتَّفتيشِ. - بفرما چمدانم برای بازرسی باز است.
ماذا في الْحَقيبَةِ؟ - چه چیزی در چمدان است؟	فُرشاةُ الْأَسنانِ و الْمَعجونُ وَ الْمِنشَفَةُ وَ الْمَلابِسُ... - مسواک و خمیردندان وحوله و پوشیدنی‌ها (لباس‌ها)
ما هٰذَا الْكِتابُ؟ - این کتاب چیست؟	لَيسَ كِتاباً؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكرَياتِ[4]. - کتاب نیست؛ دفتر خاطرات است.
ما هٰذِهِ الْحُبوبُ؟ - این قرص‌ها چیست ؟	حُبوبٌ مُهَدِّئَةٌ، عِندي صُداعٌ. - قرص‌های آرام بخش است، سر درد دارم.
هٰذِهِ، غَيرُ مَسموحَةٍ. - این غیرمجاز است (ممنوع است)	وَ لٰكِن أَنا بِحاجَةٍ إلَيها جِدّاً. - اما من به آنها خیلی احتیاج دارم.
لا بَأسَ. - اشکالی ندارد.	شُكراً. – متشکرم.
اِجمَعيها وَ اذْهَبي. - جمعشان کن و برو.	في أَمانِ اللّٰهِ. - در امان خدا

۱- **صالَة:** سالن ۲- **جَمارِك:** ج **جُمرُك**=گمرک ۳- **مِنْ فَضْلِك:** لطفاً ٤- **ذِكْرَيات:** خاطرات، مفردش «ذِكْرىٰ»

✍صالَة= قاعة = صالون (سالن) / **مِنْ فَضْلِك = رَجاءً** (لطفاً) / مَسموح ≠ ممنوع

DaneshSad دانش صد

اَلتَّمارين برگرد

● **اَلتَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِماتِ الْجَديدةِ لِلدَّرسِ، تُناسِبُ التَّوضيحاتِ التّاليَةَ؟**

١- رَئيسُ الْبِلادِ، اَلَّذي يَأمُرُ الْمَسْؤولينَ وَ يَنصَحُهُم لِأَداءِ واجِباتِهِم. ☜ (اَلْقائد : رهبر)
رئیس کشور، کسی است که به مسئولین دستور می‌دهد و آنها را برای انجام وظایفشان نصیحت می‌کند.

٢- إدارةٌ مَسؤولَةٌ عَنِ الصّادراتِ إلَى الْخارِجِ وَ الْواردِاتِ إلَيها. ☜ (اَلْجمارك : گمرک)
اداره‌ای که در قبال صادرات به خارج و واردات به آن پاسخگو و مسئول است.

٣- عَرَفَ الْبَعْضُ الْبَعضَ الْآخَرَ. ☜ (تعارَف: با یکدیگر آشنا شدند)
با یکدیگر آشنا شدند.

٤- اَلَّذي يَعمَلُ لِمَصلَحَةِ الْعَدوِّ. ☜ (اَلْعميل : مزدور)
کسی که برای مصلحت دشمن کار می‌کند.

٥- جُزءٌ واحِدٌ مِنْ خَمسَةٍ. ☜ (اَلْخُمْس : یک پنجم)
یک جزء از پنج

● **اَلتَّمْرينُ الثّاني: ضَعْ في الْفَراغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً مِنَ الْكَلِماتِ التّالِيَةِ.** «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ»

سَواءٍ / الشَّعْبُ / يَجوزُ / قائِمَةً / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دونِ

١- ..... جَوّالٌ تَفرُغُ بَطّاريَّتُهُ خِلالَ نِصفِ يَومٍ.
ترجمه: تلفن همراهی دارم که باطری آن در نصف روز خالی می‌شود.
پاسخ: لَدَيَّ (= عِندي): دارم

٢- زُمَلائي في الدَّرْسِ عَلىٰ حَدٍّ ..... .
ترجمه: همکلاسی‌هایم در درس در یک حدّ مساوی هستند.
پاسخ: سَواءٍ: مساوی، یکسان

٣- لِصَديقي ..... في حُسْنِ الْخُلُقِ.
ترجمه: دوستم در خوش اخلاقی برتری دارد.
پاسخ: فَضْلٌ: برتری، فزونی

٤- لا يَقبَلُ ..... الْإيرانيُّ أَيَّ ضَغْطٍ.
ترجمه: ملّت ایران هیچ فشاری را نمی‌پذیرد.
پاسخ: الشَّعْبُ: ملّت

٥- لا تَعْبُدوا ..... اللّٰهِ أَحَداً.
ترجمه: کسی (هیچ کس) را به جای خدا عبادت نکنید.
پاسخ: مِنْ دونِ: به جای، به غیر

DaneshSad دانش صد

● **اَلتَّمْرينُ الثّالِثُ: تَرجِمْ إلَى الْفارِسيَّة.** (هَلْ تَعلَمُ أَنَّ ... : آیا می‌دانی که ...)



۱- ... الزَّرافَةَ لا تَنامُ في الْيَومِ الْواحِدِ إلّا أَقَلَّ مِن ثَلاثينَ دَقيقَةً وَ عَلىٰ ثَلاثِ مَراحِلَ؟
زرّافه در یک روز نمی‌خوابد مگر کمتر از سی دقیقه و در سه مرحله ؟



۲- ... مَقبَرَةُ «وادِي السَّلامِ» في النَّجَفِ الْأَشرَفِ مِن أَكبَرِ الْمَقابِرِ في الْعالَمِ؟
قبرستان «وادی السلام» در نجف اشرف از بزرگترین قبرستان‌های جهان است؟



۳- ... الصّينَ أَوَّلُ دَولَةٍ في الْعالَمِ اسْتَخدَمَتْ نُقوداً وَرَقيَّةً؟
چین اوّلین کشور در جهان است که پول‌های کاغذی را به کارگرفت؟



٤- ... الْفَرَسَ قادِرٌ عَلَى النَّومِ واقِفاً عَلىٰ أَقدامِهِ؟
اسب می تواند ایستاده روی پاهایش بخوابد؟



٥- ... أَكثَرَ فيتامين C لِلْبُرتُقالِ في قِشرِهِ؟
بیشترین ویتامین C پرتقال در پوستش است؟

● **اَلتَّمْرينُ الرّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحاديثَ النَّبَويَّةَ وَ اكْتُبْ نَوعَ الْأَفعالِ الَّتي تَحتَها خَطٌّ.**

۱- قَلبٌ لَيْسَ فيهِ شَيءٌ مِنَ الْحِكمَةِ كَبَيتٍ خَرِبٍ[۱] فَتَعَلَّموا وَ عَلِّموا وَ تَفَقَّهوا[۲]، وَ لا تَموتوا[۳] جُهّالاً[٤]؛ فَإِنَّ اللّٰهَ لا يَعْذِرُ[٥]عَلَى الْجَهْلِ.
ترجمه: دلی که در آن چیزی از حکمت نباشد مانند خانه‌ای مخروبه است، پس یاد بگیرید و یاد بدهید و بفهمید، و نادان نمیرید؛ زیرا خداوند عذر نادانی را نمی‌پذیرد.
پاسخ: عَلِّموا:فعل امر (از کسره‌ای که روی لام هست و معنا متوجه می‌شویم) / لا يَعْذِرُ: فعل مضارع منفی

۲- تَعَلَّموا الْعِلْمَ و تَعَلَّموا لَهُ السَّكينَةَ وَ الْوَقارَ وَ تَواضَعوا لِمَنْ تَتَعَلَّمونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمونَـهُ.
ترجمه: علم را یاد بگیرید و به خاطرش (به خاطر علم) آرامش و متانت را یاد بگیرید و در برابر کسی که از او یاد می‌گیرید و به او یاد می‌دهید، فروتنی کنید.
پاسخ: تَعَلَّموا:فعل امر / تَواضَعوا: فعل امر (نوع فعل این گونه از فعل‌ها در باب تفعّل و باب تفاعُل را فقط از معنا و سیاق جمله می‌توان متوجه شویم) / تَتَعَلَّمونَ: فعل مضارع تُعَلِّمونَ: فعل مضارع

۳- مَثَلُ الْمُؤمِنِ كَمَثَلِ الْعَطّارِ إنْ جالَسْتَهُ[٦] نَفَعَكَ، وَ إنْ ماشَيْتَـهُ[۷] نَفَعَكَ، وَ إنْ شارَكْتَـهُ نَفَعَكَ.
ترجمه: حکایت مؤمن همانند عطّار است؛ اگر با او همنشینی کنی به تو سود می‌رساند؛ و اگر با او همراهی کنی به تو سود می‌رساند؛ و اگر با او همکاری کنی به تو سود می‌رساند.
پاسخ: شَارَكْتَ: فعل ماضی (تای کشیده «ت»: نشانهٔ فعل ماضی است)

٤- اَلْمُؤمِنُ مَن آمَنَـهُ[۸] النّاسُ عَلىٰ دِمائِـهِم[۹] وَ أَموالِهِم.
ترجمه: مومن کسی است که مردم او را بر خون‌ها و اموال خود امین بدانند.
بیشتر بدانیم: آمَنَ: فعل ماضی من باب إفعال (أ أ مَـنَ← آ مَــنَ)

٥- لا تَجْتَمِعُ خَصلَتانِ في مُؤمِنٍ: الْبُخلُ وَ الْكِذبُ.
ترجمه: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: بُخل(خساست) و دروغ
پاسخ: لا تَجْتَمِعُ: فعل مضارع منفی

DaneshSad
دانش صد

١- **خَرِب**: ویران
٢- **تَفَقَّهوا** :دانش بیاموزید
٣- **لا تَموتوا**: نمیرید
٤- **جُهّال**: نادانان «مفرد: جاهِل»
٥- **لا یَعْذِرُ**: عذر نمی پذیرد
٦- **اِنْ جالَسْتَهُ**: اگر با او همنشینی کنی
٧- **اِنْ ماشَیْتَهُ**: اگر با او همراهی کنی
به قول سعدی: کمال همنشین در من اثر کرد / وگرنه من همان خاکم که هستم
٨- **آمَنَهُ النّاسُ**: مردم او را امین بدانند
٩- **دِماء**»: خون‌ها (جان‌ها) «مفرد: دَم»

اَلتَّمْرینُ الْخامِسُ: تَرجِمْ أفعالَ هٰذَا الْجَدوَلِ وَ مَصادِرَها.

اَلْماضي	اَلْمُضارِعُ	اَلْمَصدَرُ	اَلْأمرُ
أَنتَجَ: تولید کرد	**یُنْتِجُ**: تولید می‌کند	**إنْتاج**: تولید کردن	**أَنْتِجْ**: تولید کن
شَجعَّ: تشویق کرد	**یُشَجِّعُ**: تشویق می‌کند	**تَشجیع**: تشویق کردن	**شَجِّعْ**: تشویق کن
ساعَدَ: کمک کرد	**یُساعِدُ**: کمک می‌کند	**مُساعَدَة**: کمک کردن	**ساعِدْ**: کمک کن
تَواضَعَ: فروتنی کرد	**یَتَواضَعُ**: فروتنی می‌کند	**تَواضُع**: فروتنی کردن	**تَواضَعْ**: فروتنی کن
اِسْتَخْدَمَ: به کار گرفت	**یَسْتَخْدِمُ**: به کار می‌گیرد	**اِسْتِخْدام**: به کار گرفتن	**اِسْتَخْدِمْ**: به کار بگیر
اِنْتَفَعَ: سود بُرد	**یَنْتَفِعُ**: سود می‌بَرَد	**اِنْتِفاع**: سود بُردن	**اِنْتَفِعْ**: سود ببر
تَعَلَّمَ: یاد گرفت	**یَتَعَلَّمُ**: یاد می‌گیرد	**تَعَلُّم**: یاد گرفتن	**تَعَلَّمْ**: یاد بگیر
اِنْطَلَقَ: روانه شد	**یَنْطَلِقُ**: روانه می‌شود	**اِنْطِلاق**: روانه شدن	**اِنْطَلِقْ**: روانه شو

✡نورُ السَّماءِ✡

● **اَلتَّمْرینُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآیاتِ وَ اکْتُبْ نَوعَ الْأَفعالِ فیها وَ صیَغَـها.**

١- ﴿ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقاً لَكُم ﴾ اَلبَقَرَة: ٢٢
و از آسمان آبی را فرو فرستاد و بدان از میوه‌ها رزق و روزی برای شما بیرون آوَرد.
- أَنْزَلَ ، أَخْرَجَ ☜ فعل ماضی، مفرد مذکّر غایب

٢- ﴿اَللّهُ وَلِيُّ الّذینَ آمَنوا یُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُماتِ إلَی النّورِ﴾ اَلبَقَرَة:٢٥٧
خداوند یار کسانی است که ایمان آوردند، آنها را از تاریکی‌ها به روشنی بیرون می‌آورد.
- آمَنوا ☜ فعل ماضی، جمع مذکر غایب / یُخْرِجُ ☜ فعل مضارع، مفرد مذکّر غایب

٣- ﴿فَاصْبِرْ إنَّ وَعْدَ اللّهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غافِر: ٥٥
پس صبر کن (شکیبا باش) که وعدهٔ خدا حق است و برای گناه خود آمرزش بخواه.
- اِصبِرْ ، اِسْتَغْفِرْ ☜ فعل امر، مفرد مذکّر مخاطب

٤- ﴿وَ بِالْحَقِّ أنزَلْناهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الإسرا: ١٠٥
و به حق آن را نازل کردیم (فروفرستادیم) و به حق نازل شد.
- أَنْزَلْنا ☜ فعل ماضی، متکلّم مع الغیر/ نَزَلَ ☜ فعل ماضی، مفرد مذکّر غایب

٥- ﴿.... وَ یُعَلِّمُهُمُ الْكتابَ وَ الْحِكْمَةَ ... ﴾ آل عِمران: ١٦٤
و به آنها کتاب و حکمت را یاد می‌دهد.
یُعَلِّمُ ☜ فعل مضارع، مفرد مذکّر غایب

٦- ﴿قالَ إنّي أعْلَمُ ما لا تَعْلَمونَ ﴾ اَلبَقَرَة: ٣٠
گفت من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.
- قالَ ☜ فعل ماضی، مفرد مذکّر غایب / أعْلَمُ☜ فعل مضارع، متکلّم وحدة / لاتَعْلَمونَ ☜ فعل مضارع منفی، جمع مذکر مخاطب

DaneshSad
دانش صد

اَلبَحثُ العِلميُّ [11] برگرد

اِبحَثْ عَن آياتٍ في كُلٍّ مِنها فِعلٌ مِن هٰذِهِ الْأَفعالِ[12]. (في كُلِّ آيَةٍ فِعلٌ واحِدٌ.)
أَرسَلْنا . اِنتَظِروا . اِستَغفِرْ . اِنبَعَثَ . تَفَرَّقَ . تَعاوَنوا . عَلَّمْنا . يُجاهِدونَ

وَمَا **أَرْسَلْنَا** مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ابراهيم:٤
قُلِ **انتَظِرُوا** إِنَّا مُنتَظِرُونَ انعام:١٥٨
اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ توبه:٨٠
كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا[11]إِذِ **انْبَعَثَ** أَشْقَاهَا[12] شمس: ١١و١٢
وَمَا **تَفَرَّقَ** الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ بيّنه:٤
تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى مائده:٢
وَمَا **عَلَّمْنَاهُ** الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ يس:٦٩
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ **يُجَاهِدُونَ** فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ۚ ... مائده:٥٤

[11] پژوهش علمی – [با استفاده از نرم افزار قرآنی]
[12] دنبال آیاتی بگرد که در هر یک از آنها یک فعل از این افعال باشد. (درهر آیه، یک فعل)

DaneshSad دانش صد